

تصویرگری کتاب کودک و نقش آن در گسترش ابعاد ذهنی و شخصیتی کودکان

تلخیص و تنظیم: آرزو انواری

تجربه و درک زیبایی شناسی به کودک می دهند و به او می آموزند که چگونه از قدرت تخیل، در جهت وسیع تر نمودن دید و درک خود از جهان هستی بهره برداری کند و به این طریق خود را از فشار واقعیت های نامطلوب رها سازد.

در گذشته، تصاویر تنها یک عنصر تزئینی در کتاب های کودکان بودند و کاربرد دیگری نداشتند، ولی امروز با هماهنگی و همراهی کامل با متن، به شکل یک عنصر جدید و مؤثر در ادبیات کودکان ظاهر شده، بازیابی خاص خود با کودکان سخن می گویند و آنان را به دنیای خیالی می برند؛ دنیایی که به مراتب از زندگی روزانه ما غنی تر و شگفت انگیزتر است. به همین علت، امروزه کتاب های تصویری در میان تمامی رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی به طور مستقیم و غیرمستقیم باندیای کودکان و نوجوانان ارتباط می یابند، از جایگاه ویژه ای بر خوردارند.

مشخصات کتاب تصویری

کتاب های تصویری باید دربرگیرنده مجموعه ای از مشخصات زیر باشند:

- آموزنده باشند.
- قدرت تخیل و تجسم کودک و نوجوان را تقویت کنند و برانگیزاننده باشند.
- بیان کننده مفاهیم و معنی و مقصود داستان باشند.
- بیان کننده علائق، خواسته ها و احساسات انسانی باشند.
- دلاری هویت و اصالت باشند و فرهنگی خاص را ارائه دهند.

- پاسخگوی حس زیبایی شناسی کودک باشند.
- توجه برانگیز و ترغیب کننده باشند.
- مفاهیم اجتماعی را بیان کنند.
- بویا و نوگر باشند و از کلیشه ها احتراز کنند.
- سرگرم کننده باشند.

اهداف تصویرگری

تصویرگر برای رسیدن به نتایجی کامل و مطلوب، اهداف خاصی را دنبال می کند. او با محور قراردادن این اهداف، کار خود را شروع می کند و به پایان می رساند. مسلماً تصویرگری که بی هدف است یا اهدافی نامشخص و غیرمنطقی دارد، در نهایت اثری ناهماهنگ بدون مفهوم و نامناسب ارائه خواهد داد. بنابراین پایه و اساس تصویرگری، آگاهی نسبت به اهداف تصویرگری و پیروی از کلیه این اهداف، در جهت ارائه اثری کاملاً مناسب برای کودکان و نوجوانان می باشد. در واقع هدف نهایی تصویرگر، کمک به کودک از طریق تصویر است و این امر، در زمینه های مختلف و به شکلهای متفاوت انجام می گیرد. برجسته ترین اهداف تصویرگری عبارتند از:

کمک به شناخت و درک هر چه بیشتر مفاهیم متن و از بین بردن نارساییهای وصفی، واژگانی نوشته، همچنین آسان و

نگارش: رامین مشرفی ملایری
استاد راهنما: جلال پیشاهنگی
استاد مشاور: دکتر نورالدین زرین کلک، برای
اخذ مدرک کارشناسی ارشد
دانشکده هنر و معماری گروه آموزشی ارتباط تصویری
سال ۷۶-۱۳۷۵

هدف از این پژوهش، اتخاذ روشهایی آگاهانه، علمی و منطقی در تصویرگری و همچنین دستیابی به معیارهایی برای ارزیابی تصاویر در کتاب های کودکان است. به گونه ای که برای ارائه مفاهیمی صحیح، واضح و روشن از طریق تصویر به کودکان، به نتایج مطلوبی دست یابیم.

این پژوهش ابتدا به کتاب تصویری و جایگاه آن، همچنین به اهداف تصویرگری پرداخته است، سپس نقاط ضعف در تصویرگری کتاب های کودکان و خصوصیات تصویر، مبانی تصویر و نقش آن در کتاب های تصویری، رابطه متن با تصویر و همچنین قطع و اندازه کتاب، معیارهای ارزیابی تصویر در کتاب های تصویری، و نحوه تقسیم بندی کتاب های تصویری، داستانی را با توجه به گروه سنی کودکان، به ویژه گروه سنی «ج» و «د» مورد بررسی قرار داده است.

روش تحقیق: میدانی و کتابخانه ای.

گفتگو با تصویرگران کتاب کودک، کارشناسان و متخصصانی که در این زمینه کار کرده اند، از جمله کارشناسان پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شورای کتاب کودک. حضور در جلسات «بررسی تصاویر کتاب های کودکان» که توسط متخصصان و کارشناسان گروه تصویر در شورای کتاب کودک برگزار شده است.

یادداشت برداری و برگزینی از منابع سعی شورا (کارگاه تصویر ۱ و ۲) در زمینه بررسی آثار دو تن از تصویرگران برنده جایزه بین المللی هانس کریستین آندرسن؛ «اد یانگ» (۲) (آمریکا) و «رابرت اینگهین» (۳) (استرالیا). این کارگاه با حضور برخی از استادان و متخصصان در این زمینه برگزار شد. استفاده از برخی منابع فارسی و لاتین، کتاب و مقالات در زمینه تصویرگری کتاب کودک و گزارش های شورای کتاب کودک.

کتاب تصویری و جایگاه آن

کتاب های تصویری با انتقال مفاهیم از طریق تصویر، نقش مهمی در تعلیم و تربیت و همچنین شکل گیری ابعاد ذهنی و شخصیتی کودکان دارند. این کتابها با کمک تصاویر، فرصت





ساده کردن موضوع در مواردی که دشواریهایی دارد. کمک به جایگیری موضوع و ثبت و ضبط آن در ذهن و حافظه کودک، با توجه به گروه سنی معین.

محسوس و قابل لمس نمودن موضوع و فضای داستان، بیشتر از آنکه فی نفسه محسوس و قابل لمس است و همچنین غنی و مؤثر کردن آن بیشتر از حدی که بدون تصویر می‌تواند غنی و مؤثر باشد. از این طریق، تصویرگر کودک را به شنیدن یا خواندن مکرر داستان تشویق می‌کند.

افزایش اطلاعات و آگاهی کودکان در زمینه‌های مختلف؛ به خصوص تقویت تمایلات هنری و حس زیبایی‌شناسی آنها. کمک به درک مفهوم و معنایی پرنگاه، خواص، تاثیرات و نحوه استفاده صحیح از آنها. آشنا ساختن کودک با کاربردهای متفاوت ترکیب‌بندی‌ها، پرسپکتیو، کادر و غیره.

کمک به کودک در جهت درک رابطه‌های میان عناصر متفاوت در هنر تصویر و همچنین ایجاد رابطه تخیلی عاطفی بین کودک و شخصیت‌های داستان.

فراسوی نوشته و موضوع قرار دادن و به پروازداشتن کودک، همچنین آزاد کردن قوه تخیل او از محدوده یا محبس نوشته.

تعمیق و رشد و وسعت افکار، تخیلات، تصورات و رؤیایها و آرزوهای مثبت کودک.

نقاط ضعف در تصویرگری

بدون شک شناخت نقاط ضعف در تصویرگری کتابهای کودکان، یکی از مهمترین عوامل جهت‌دهی به تسلط و مهارت در این زمینه است. در اینجا نقاط ضعف تصویرگری کتابهای کودکان را تحت عناوین معین طبقه‌بندی و بررسی می‌کنیم. این عناوین عموماً از مقالات «ضعف‌های تصویرگری کتاب کودک در ایران» (۴) نوشته «توران میرهادی» و «اثرات نامطلوب کلیشه‌های تصویری در ذهن کودکان» (۵)، نوشته «زهره قایینی» اقتباس شده‌اند. مهمترین آنها عبارتند از:

ضعف در ارائه چهره‌ها.

ضعف در ارائه بدن و حرکت.

مطالعه اندک و شناخت جزئی از طبیعت و جانداران، به‌ویژه جانوران.

مسطح ماندن تصاویر و نداشتن بعد سوم.

عدم توجه به تواناییها و برداشتهای ممکن از متن غنای کم تصاویر.

تصویر برای تزئین و نه برای جان بخشیدن به متن.

پناه گرفتن در کار یکسان (موتیوی).

توقف در شیوه بیان تصویری و تکرار طرجهای گذشته.

کلیشه‌های تصویری.

ضعف در ارائه چهره‌ها

نمود این ضعف را به این صورتهای می‌توان دید: حالت کلیشه گرفتن چهره‌ها، عدم تحرک در حالتها، سعی در ساده کردن بیش از اندازه خطوط چهره‌ها، گرایش به سوی کاریکاتور و استفاده بیشتر از نقطه و خط، یکنواختی در ارائه تیپها.

ضعف در ارائه بدن و حرکت

این ضعف بیشتر به شکل عدم تناسب اندامهای بدن، ناشیانه ارائه دادن حرکتها و عدم هماهنگی بین چهره و بدن مشاهده می‌شود. در کار تصویرگران ورزیده، عموماً شاهد حرکت‌های گوناگون همچون دویدن، بازی کردن، پریدن، نشستن، پرتاب کردن و... چهره‌های اصلی داستان هستیم. تصویرگر قادر است از هر زاویهای، بدن و حرکت آن شخصیت را ارائه کند و در این زمینه، مهارتش مانند مهارت دست پیکر تراش است.

مطالعه اندک روی طبیعت و جانداران، به‌ویژه جانوران.

بخش بزرگی از کتابهای کودکان را افسانه‌ها و داستانهای تمثیلی و استعاره‌ای تشکیل می‌دهند. در این تمثیلهای و استعاره‌ها، گلها و گیاهان گوناگون و درختان و جانوران ریز و درشت نقش عمده دارند. این عناصر گاه در نقش خود و گاه در نقش انسانی، صفتها و خصیصه‌های خاصی را نمایان می‌کنند. بسیار دیدیم که موقتی تصویرگری تهیه تصویرهای این گونه داستانها را قبول می‌کند، فوراً به سراغ منابع مکتوب و مجله‌ها و تصاویرهای سایر کتابها می‌رود و به جای مراجعه به طبیعت و اصل موضوع، کار تصویرگری دیگر، یا در نهایت کار یک عکاس را منبع الهام خود قرار می‌دهد، یا حتی راحت و بدون دغدغه، چهره‌های کارتونی فیلمسازان، به‌ویژه شخصیت‌های «والد دینسی» را به‌عاریت می‌گیرد و در بهترین شرایط، اگر به کتابهای ارزنده تصویری دسترسی داشته باشد، از کار آنها کپی می‌کند.

مسطح ماندن تصویر و نداشتن بعد سوم

نقاشی، ترسیم سه بعد است روی دو بعد، اما تصویرگری کتاب، ترسیم چهار بعد است روی دو بعد، چون بعد زمان را نیز دربرمی‌گیرد. در آثار بسیاری از هنرمندان تصویرگر، بعد سوم و چهارم را نمی‌توان دید. همچنین تصویر عمق ندارد، حرکت ندارد و در نتیجه کمتر جان می‌گیرد و همراه متن پیش می‌رود.

عدم توجه به تواناییها و برداشتهای ممکن از متن.

گاهی متن از طرف تصویرگر بسیار دست کم گرفته می‌شود. اخیراً یکی از دانشجویان آلبومی از کارهای خود را به «من» نشان داد. او نمونه‌هایی از چهره یک‌دختر را با شایرک ترسیم کرده بود هر یک از چهره‌های زاویه از ظرفیت متن، سن، چهره، حالت رنگ و شکل قرار گرفتن در تصویر را نشان می‌داد و از هر یک از این نمونه‌ها می‌شد برداشت دیگری از متن کرد. گاه متن به اوج یک اندیشه عرفانی می‌رسید و گاه در حدیک داستان کودکانه قابل درک برای سنین اول دبستان می‌شد. تصاویر، ناهماهنگی و عدم تناسب بسیار قابل توجهی با متن داشت و هنرمند ما هم در فکر این بود که کدام تصویر بیشتر نظر نویسنده و ناشر را تأمین می‌کند و مناسب است.

دیده شده است که حتی تصویرگران مطرح چنان کم به متن توجه می‌کنند که برای مثال با آنکه شخصیتها دو دختر هستند، یکی پسر می‌شود و دیگری دختر، یا به محض آنکه گفته می‌شود نویسنده این اثر، یک نوجوان است، برد تخیل و اندیشه و احساس نویسنده دست کم گرفته می‌شود و نقاشیهایی به سبک کودکان پیش از دبستان برای آن کشیده می‌شود.

باید متن را در عمق وجود جای داد و برای این کار از هیچ تماس با نویسنده و صحبت با او دریغ نکرد. جان بخشیدن و معنی دادن به یک نوشته، کاری است دشوار و در عین حال، هیجان‌انگیز که با هیچ آفرینش هنری دیگر تفاوت ندارد.

غنای کم تصاویر

این دست کم گرفتن متن، عموماً با غنای کم تصویر توأم می‌شود. تصویر حرفش را یکباره می‌زند و تمام. کودک یا نوجوان نیز پیام را دریافت می‌کند و تمام. کتاب‌کنار گذاشته می‌شود. لازم است به این نکته توجه شود که آثار هنری، لایزال هستند. هر بار دیدن، کشف تازه‌ای را به همراه دارد و هر بار شنیدن، نکته تازه‌ای را آشکار می‌کند، کلام و آهنگ و محتوا در نوشته و در طرح و رنگ و ترکیب در تصویر، دنیایی از تخیل و اندیشه را ارائه می‌دهند که خواننده یا شنونده در آن غوطه‌ور می‌شود.

تصویر برای تزئین و نه برای جان بخشیدن به متن

گاهی تصویرگران به تزئین صفحه‌ها می‌پردازند. زیبایی طرح و رنگها، آنها را از مسیر اصلی کار منحرف می‌کند. بچه‌ها، عروسکی می‌شوند و حیوانات، حالت‌اسباب‌بازی پیدا می‌کنند. درست است که کودکان به رنگ بسیار توجه دارند و از زیبایی لذت می‌برند، ولی کار تصویرگر کتاب، تزئین نیست. جای یک

طرح تزئینی (دکوراتیو) در صنایع دستی، پارچه و گلیم و میناکاری و غیره است. هر تصویر در کتاب، اگر اصل باشد، مثل یک اثر هنری (نقاشی) قابل ارائه و تامل است و اگر به صورت کتاب درآید، یک بعد هنر گرافیک نیز پیدامی کند.

پناه گرفتن در کار یکسان (موتیوی)

از تزئین سخن گفتیم پناه گرفتن در کار طرح‌های یکسان (موتیو) نیز نوعی تزئین است. طرح‌های یکسان هر قدر هم از اجزاء زنده ساخته شده باشند، نهایتاً حرکت ندارند و ساکن می‌مانند و به همین سبب ایجاد ارتباط آنها با مخاطبان دشوار است.

توقف در شیوه بیان تصویری و تکرار طرح‌های گذشته گاهی اوقات نوعی افراط و تفریط در شیوه کار تصویرگران می‌بینیم. زمانی تصویرگر ساکن می‌شود و در ارائه طرح‌ها، همیشه همان آدمها، همان بچه‌ها، همان شیوه بیان، همان تکنیک، همان فضا سازی‌ها و همان رنگها را به کار می‌برد، به طوری که با یک نگاه از راه دور می‌توان گفت این کار فلان تصویرگر است، وزمانی دیگر، تنوع بیش از حد در سبک و شیوه بیان تصویرگر و تابعیت بیش از حد از متن را مشاهده می‌کنیم، در حدی که هویت هنرمند تصویرگر کم می‌شود و در هر کارش آهنگی جداگانه می‌نوازد. در این میان باید به نوعی تعادل منطقی دست یافت.

هر تصویرگر، ممکن است شیوه بیان خاص خود را داشته باشد و باید هم این طور باشد، ولی لازم است که در مجموعه کار او تحول نیز احساس شود.

کلیشه‌های تصویری و اثرات نامطلوب آنها در ذهن کودکان یکی از مهمترین نقاط ضعف در کتابهای تصویری، کلیشه شدن برخی موضوعها، تصاویر، فرمها، ترکیب بندی و به طور کلی نحوه ارائه آنهاست.

با بررسی تعداد قابل ملاحظه‌ای از کتابهای کودکان و نوجوانان مربوط به کشورهای مختلف، متوجه می‌شویم که کلیشه‌های تصویری مدام در حال افزایشی‌اند و با تغییرات بسیار کم، بارها و بارها در این یان کتاب ظاهر می‌شوند. یافتن کلیشه‌های تصویری در کتابهای کودکان سخت نیست و نیاز به موشکافی دقیق ندارد. با ورق زدن کتابهای تصویری منتشر شده در چند سال اخیر، آن هم نه تمامی کتابها، بلکه آثار برخی از پرکارترین تصویرگرانمان، متوجه خواهیم شد که چگونه کلیشه‌ها به طور وسیع و نگران کننده‌ای در ادبیات کودکان ریشه دواندند.

خصوصیات تصویر

هویت ملی، هویت جهانی

زمانی تصویر می‌گردیم که جهانی اندیشیدن مساوی است با اینکه هم شکل، همسو، همفکر و هم‌قضاوت بشویم و آداب و رسوممان یکی شود و... اما امروزه جهانی شدن متفاوت است.

امروزه جهانی شدن یعنی اینکه، خودت باش، فرهنگ، زندگی، آداب و رسوم و عقاید خودت را حس کن و عرضه کن و بگذار دیگران برداشت کنند و بشنوند؟ بادیگران در ارتباط باش، اما هم شکل و همسو نشو و گذشته و حال خود را حفظ کن. در واقع، بهترین روش برای بیان مسائل در سطح جهانی، استفاده از عوامل فرهنگ بومی و ملی است تا از این طریق بتوان آثاری متفاوت، مؤثر و ماندگار پدید آورد.

به طور قطع، کتابی تصویری که با استفاده از مجموعه عوامل و عناصر تصویری بر گرفته از فرهنگ ملی، بومی، سنتی و منطقی‌ای و اعتقادی خاص پدید آمده باشد، مؤثرتر، جذابتر و بادوام‌تر از کتابی است با تصاویر تقلیدی، کلیشه‌ای، تکراری و

یکنواخت.

بنابراین برای دستیابی به هویت جهانی، باید از افکار و اندیشه‌های خودمان، از میهن، آداب و رسوم و سنتها، تاریخ، گذشته و آینده، آرزوها، رؤیاهای... و خلاصه‌از خودمان بگوییم. تنها در این صورت است که کتاب تصویری به اثری جهانی تبدیل می‌شود و می‌تواند به بهترین نحو با کودکان سراسر جهان در طول سالیان و بانسلهای تازه ارتباط برقرار کند و باقی بماند.

نقش تخیل در کتابهای تصویری

تخیل، نقش بسیار مهم و بسزایی در تصویرگری و ادبیات دارد و این، مستقیماً برخاسته از خاصیت وجودی انسان است. کودک در اندازه‌گیری و تشخیص جهان، محدودیتهای خاص خودش را داراست و به تدریج که با جهان انس می‌گیرد، احتیاج دارد بیشتر به مکانهای دوردست سفر کند، بیشتر بوم و جغرافیا را ببیند و بشناسد و پس از اینها، باز گامی جلوتر، چیزهایی را که در این جهان به شکل مادی وجود ندارند حس کند. یکی از وظایف مهم تصویرگر، گشودن دریچه‌ها و پنجره‌هایی است که مخاطبانش را به سوی جهان تخیل و شگفتی هدایت کند و آنان را در این مسیر پر رمز و راز راهنما باشد.

رابطه تصویر با متن

ارتباط میان تصویر و متن در کتابهای تصویری از سه نظر و به طور همزمان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- ارتباط بصری

۲- ارتباط مفهومی

۳- ارتباط مکانی

۱- ارتباط بصری: وقتی ارتباط میان تصویر و متن را از نظر بصری بررسی می‌کنیم، به نحوه قرار گرفتن متن در کنار تصویر و هماهنگی و تناسب بین این دو توجه داریم. ارتباط صحیح و مناسب متن و تصویر از نظر بصری، ارتباطی تفکیک‌ناپذیر و ناگسستی است، به نحوی که هر دو را به عنوان یک عنصر واحد و یکسان می‌نمایاند. در واقع متن باید از اجزاء تفکیک‌ناپذیر تصویر، در ترکیب بندی‌ها باشد. با توجه به نکات فوق می‌توانیم بگوییم که ارتباط میان تصویر و متن، از نظر بصری، ارتباطی موفق است.

۲- ارتباط مفهومی: تصویرگر، زمانی در برقراری ارتباط مفهومی میان متن و تصویر موفق است که بتواند عناصر، حالتها، شخصیتها و مفاهیم و روابط درون متن را همانگونه که هستند، همراه با تفسیری جدید از خود، برای تکمیل متن، به زبان تصویری تبدیل کند، به طوری که تصویری با مشخصات متن، ولی به مراتب غنی‌تر و زیباتر داشته باشیم. غنی‌تر، زیرا تصویرگر با برگردان مفاهیم به زبان تصویر توانسته است، آنچه را که در متن بوده و ما نیز به سهم خود تفسیر کردیم، به طور کامل بازگو کند. آن را با دانش تصویری خود درآمیزد و اثری کاملاً متناسب و با مشخصات متن ولی بسیار اثر گذارتر پدید آورد.

۳- ارتباط مکانی: تصویرگر باید نکاتی را در مورد نحوه قرار گرفتن تصویر، نسبت به متن مربوطه رعایت کند تا علاوه بر تفهیم متن به کودک، او را در مراحل متفاوت، به تفکر و تعمق در مورد داستان و تصاویر آن برانگیزد. تصویرگر برای برقراری ارتباط مکانی میان متن و تصویر باید با سه حالت متفاوت آشنایی داشته باشد و در شرایط متفاوت از این سه حالت استفاده کند:

تصویر و متن مربوط به آن در یکجا قرار می‌گیرند.

تصویر، قبل از متن مربوط به آن می‌آید.

تصویر، بعد از متن مربوط به آن می‌آید.

با این سنجش دقیق، مخاطب به تمامی نقاط ضعف فضای

ذهنی خود دست می‌یابد و می‌کوشد هر آنچه نمی‌داند، از آموزگار خود که همان تصاویر کتاب است فراگیرد و بکوشد با ذهنیتی حساس‌تر و خلاق تصاویر ذهنی خود را بیوراند.

معیارهای ارزیابی تصویر در کتاب تصویری

پرسشهایی که در دهه اخیر مطرح شده است که پاسخ به این پرسشها، چگونگی و کیفیت اثر را مشخص می‌کند. این پرسشها در چهار بخش طبقه بندی شده‌اند که عبارتند از:

الف. ارزیابی نکات اولیه

ب. ارزیابی تکنیک و شیوه ارائه

ج. ساختار تصاویر

د - ارزیابی برخورد خلاقانه و هنرمندانه با اثر.

برخی از سؤالات هر بخش به شرح زیر است:

بخش الف

- آیا در ارتباط با موضوع، کادر مناسبی انتخاب شده است

. آیا تصاویر روی جلد، توجه برانگیز و ترغیب کننده جهت مطالعه کتاب‌اند؟

. آیا قرارگیری عنوان و سایر نوشته‌ها، مناسب، خوانا و ترغیب کننده جهت مطالعه‌اند؟

بخش ب

- تصاویر کتاب در اولین نگاه چگونه به نظر می‌رسند؟

. آیا تکنیک و سبک ارائه تصاویر، متناسب با موضوع است؟

. آیا با توجه به متن، عناصر زائد و بیجا در تصویر وجود دارند؟

بخش ج

. آیا خطوط و اشکال و به طور کلی عناصر تشکیل دهنده تصویر، وزن و جنبش دارند؟

. آیا زاویه دید، در خدمت غنای تصویر است؟

. آیا رنگ تصاویر، متناسب و جالب به نظر می‌رسد؟

بخش د

. آیا تاثیر نمایی تصاویر، مانند تاثیر روانی متن است؟

. آیا تصاویر می‌توانند نشان دهند که تصویر گراهل کدام سرزمین است؟

. احساس تصویرگر در تصویرها، نسبت به نزادهای دیگر چگونه است؟

. آیا تصاویر در ذهن بیننده باقی می‌ماند؟

پانویسها:

۱- این دو کارگاه تخصصی بررسی آثار تصویرگران، با حضور اعضای گروه بررسی تصویر شورای کتاب کودک و اساتیدی همچون توران میرهادی، منصوره راعی، ثریا قزل ایباغ، زهره قایینی، طاهره تابان، بهرام کلهرنیا و دکتر مجتبی الهیاری، در سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۴ برگزار شد.

Edlyoung-۲

Robert Ingpen-۳

۴- میرهادی، توران، ضعفهای تصویری کتاب کودک در ایران. ویژه نامه روشی، ویژه جشن بزرگ کودکان شماره ۲، بهمن ۱۳۷۰ ص ۲۸ تا ۳۲.

۵- قایینی، زهره، اثرات نامطلوب کلیشه‌های تصویری در ذهن کودکان. ویژه نامه کلمه، ویژه نامه فرهنگ و ادبیات کودکان شماره ۹ و ۱۰ بهمن و اسفند ۱۳۷۵ ص ۸ تا ۱۱.

۶- توران میرهادی

۷- نقش خیال در کتابهای تصویری اقیانسی است. از سخنان دکتر مجتبی الهیاری در کارگاه بررسی تصویر آثار «رابرت اینگپن»، شورای کتاب کودک، ۱۳۷۴.